



پاسارگاد مرکز جهان

نوشته
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دیوید استروناخ

(رئیس مؤسسه ایران‌شناسی بریتانیا)





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





یادداشت مجله

مقاله «پاسارگاد مرکز جهان»، از تحقیقات ارزنده ایست که آقای دیوید استروناخ رئیس مؤسسه ایرانشناسی بریتانیا در سخنرانی خود در کنگره تحقیقات ایرانی در دانشگاه تهران و همچنین در کنگره باستانشناسی و هنر ایران در دانشگاه اکسفورد در لندن ایراد فرمودند و یک نسخه از آنرا بزبان انگلیسی بدفتر مجله ارسال داشتند. اینک ضمن سپاسگزاری از ایشان و همچنین امتنان از هیأت مدیره کنگره تحقیقات ایرانی که اجازه دادند متن سخنرانی مذکور، پیش از انتشار در مجموعه سخنرانیهای کنگره، در مجله بررسیهای تاریخی بچاپ برسد مقاله مزبور را ترجمه نموده و از نظر خوانندگان ارجمند میگذرانند.

بررسی های تاریخی





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





پاسارگاد مرکز جهان

در سال ۵۴۶ قبل از میلاد کوروش کبیر مؤسس سلسله شاهنشاهی هخامنشی در ایران پایتخت جدید خود پاسارگاد را در دره‌ای مرتفع که اکنون جزئی از استان فارس است احداث نمود. کاخهای درخشان از سنگ سفید، از یک دشت سیراب که، صحنه‌پیروزی نهائی وی بر آستیاگس پادشاه ماد در سال ۵۵۰ قبل از میلاد است هویداشد. سبک معماری کاخ‌ها که بعنوان سبک مناسب یک پایتخت شایسته سیاسی جهان ترکیبی ماهرانه از هنر معماران ایران، آفاتول (ترکیه) و بین‌النهرین بود، سبکی در معماری بوجود آورد

دیوید استروناخ

رئیس مؤسسه ایرانشناسی بریتانیا

ترجمه

علیرضا رحمتی





که هم با تکنیک‌های پیشرفته معماری روز وهم با صداقت ملیت‌های مختلف در کشور شاهنشاهی مضاف دهد .

باستانشناسان توانسته‌اند هدف‌های معماری آنرا تا اندازه‌ای از خرابه‌های پراکنده در این محل کشف کنند: از نشانه‌های مختلف مثل نقشه يك ساختمان، فرم يك ته ستون شیاردار یا نقش‌های روی يك سنگ تراشیده . همچنین ضمن حفریاتی که بعمل آمده مجراهای طویل و سنگی آب که از وسط باغ‌های کاخ می‌گذشتند کشف شد که دارای حوض‌های سنگی فراوان که احتمالاً گلها و یا نباتات آبی را پرورش میدادند بود .

همچنین با رجوع به گفته‌های مؤلفین کلاسیک باین نکته میرسیم که نه تنها از شهرت جاودانی کورش بلکه از جلوه اصلی مقبره اش، از تجهیزات قبلی و باغ پربرکت او که آرامگاه ابدی بنیانگزار پاسارگاد را احاطه میکرد چیزهائی می‌آموزیم . اینک این سؤالات باقی میماند: پاسارگاد چه شهرت داشت؟ آیا اولین پایتخت کشور شاهنشاهی هخامنشی اعتبار خود را در مقابل تخت جمشید که به امر داریوش بزرگ ساخته شد از دست داد؟ و بالاخره ایرانیان با چه دیدی باین محل مینگرستند؟ پاسخ این سؤالات جالب و قابل ملاحظه است . اعتبار و شهرت بی‌نظیر پاسارگاد در تمامی پهنه ایران و حتی ماوراء آن، در نقشه جهان (شکل يك) که به خط تبتی^۱ نوشته شده و فقط در اواسط دهه ۱۹۶۰ در دهلی نو بچاپ رسیده مشهود است . این نقشه از يك فرهنگ شانگ شونگ^۲ تبتی که حاوی تعالیم بودا^۳ است و از لهجه شانگ شونگ رایج در شمال غربی تبت به زبان تبتی ترجمه شده است اخذ شده است .

نقشه بشکل مربع مستطیل است که دریا اطراف آنرا احاطه نموده و ضمناً در بالای نقشه که امروزه شمال را مشخص میکند در این نقشه شرق

1- Tibetan

2- Shang Shung

3- Bhudda





نشان داده شده است و نقشه پراز مستطیل‌های کوچکی است که در آن‌ها نام‌های جغرافیائی به خط تبتی نوشته شده است . در وسط آن ساختمانی عجیب و غیر معمولی بچشم میخورد. این نوشته تردیدی باقی نمیگذارد که این ساختمان نمایشگر پاسارگاد است که میتوان آنرا يك برج با طبقه‌های فراوان و یا بعنوان نوعی ساختمان چند اشکوبی تصور نمود . این نقشه یادداشتی مختصر بضمیمه دارد باین معنی که طرح میانی آن نشانه گر « کوه صلیب شکسته با نه طبقه » است گرچه بعید است که این عبارت اخیر توصیفی عینی از آرامگاه کورش باشد اما هنوز شباهتی به کلمات اونسیکریتوس^۴ یکی از همراهان اسکندر که آرامگاه کورش را يك برج ده اشکوبی تشریح کرده است وجود دارد . بعلاوه همانطوریکه کورزون^۵ در اواخر قرن نوزدهم خاطر نشان ساخت این توضیح اخیر ممکن است از بلکانهای متعددی ناشی شده باشد که از استقرار يك پایه شش طبقه آرامگاه باشد که رویهم تشکیل شده است .

در هر حال مشکل است تصور نمود که ساختمان دیگری غیر از آرامگاه کورش برای نشان دادن پاسارگاد انتخاب شده باشد و نیز دشوار است که طرح شکفت‌انگیز وسط نقشه را با هیچ ساختمان دیگری در پاسارگاد مربوط نمود. علیرغم اعتراضات عده‌ای از دانشمندان نقشه‌نشان میدهد که آرامگاه بدون کتیبه کوروش کبیر صحیح تشخیص داده شده است . ضمناً با در نظر گرفتن عدم وجود هر شهادت و یا گواهی که ساختمان‌های دیگری غیر از آرامگاه را ذکر مینماید آنچه مورد توجه ما است اشاره نقشه به پنج موضوع زیر در پاسارگاد است :

الف : ستونهای کریستال با کتیبه که مطمئناً اشاره‌ای است به ستون‌هایی که در گوشه کاخهای کوروش کبیر قرار دارد که از سنگ آهک سخت و صیقلی شده ساخته شده و کتیبه کوتاه ساختمان کوروش را دربر دارد .

4 – Onesicritus

5 – Curzon





«هن، کوروش، پادشاه، هخامنشی»

ب: «باغ صلیب شکسته»^۶ - گویا باغی است که آرامگاه کوروش کبیر را احاطه کرده بود.

ج: باغ چرخ

د: باغ لوتوس^۷ (درخت سدر)

ه: باغ زفیس

چهار اسم اخیر احتمالاً هیچگونه رابطه‌ای با اسمهای قبلی باغها در دوره هخامنشی ندارد. اصطلاحاتی چون صلیب شکسته، چرخ، درخت سدر و گوهر «برای زفیس» بنظر میرسند که از سیم‌های تانتریک بوداییسم^۸ گرفته شده باشند (مثلاً صلیب شکسته نشانه خورشید است) اما جالب اینجاست که باغهای بزرگ پاسارگاد که ممکن است روزی چهار باغ بوده است در زمان خود چنین شهرتی داشته‌اند.

بامراجعه به جزئیات نقشه مابطور کلی نه فقط درمی یابیم که پاسارگاد در وسط آن یعنی در «ناف جهان» است (توضیح متداولی از بیت المقدس بود) بلکه باین نکته نیز پی میبریم که این نقشه کم و بیش به مرزهای کشور شاهنشاهی هخامنشی یعنی از مصر (در غرب) تا پامیر (در آسیای مرکزی در شرق) (تصاویر ۲ و ۳) محدود میگردد شاید جای تردید نباشد که نقشه اصلی که مساحان تبتی از آن تقلید و یا اقتباس کرده‌اند، یک نقشه جهان باشد که در ایران و در زمان فرمانروائی دودمان هخامنشی ترسیم شده و فقط در آن لحظه تاریخی امکان پیش کشیدن این موضوع را که پاسارگاد در مرکز زمین قرار گرفته بوجود آورد و شاید فرضاً برای نشان دادن و تأکید عظمت دولت شاهنشاهی ایران که بوسیله کوروش کبیر تأسیس

6- The Garden of The Swastika

7- Lotus

8- Tantric Bhuddism





یافته بود و در پایتخت پهناورش پاسارگاد پادشاهی میکرد، بود. تا آنجا که به تحقیقات پیشین مربوط است این نقشه فقط توسط دو دانشمند مورد بررسی قرار گرفته است. در اواخر دهه ۱۹۶۰ - ل - ن - گومیلف^۹ و ب - الف - کوزنتزف^{۱۰} درباره این موضوع دو مقاله چاپ نمودند که مقاله دومی در دسامبر ۱۹۶۹ در بولتن شماره ۲۴ «اوراق زمین شناسی و جغرافیائی دانشگاه لنینگراد» تحت عنوان (دو ترا دیسیون از نقشه کشتی تبت باستان منتشر گردید. در اینجا کار ترجمه اسامی تبتی در نقشه بیشتر به کوزنتزف محول شده بود در حالیکه گومیلف در پی تفسیر عنوانها بود که این نیز کار ساده‌ای نبود. اخیراً پرفسور ب مازار^{۱۱} از دانشگاه عبری در اورشلیم موضوع نقشه و بطور کلی نقشه کشتی را در قدیم در یک مقاله کوتاه با عنوان «اورشلیم در نقشه تبت باستان» که در روزنامه معاریو^{۱۲} در آوریل امسال چاپ و منتشر گردید مورد بحث قرار داد.

برای پایان بخشیدن به این مقدمه بی‌مناسبت نمیدانم که ۶۰ واندی عنوان جغرافیائی که طرح مرکزی را احاطه میکنند نام برد. گومیلف و کوزنتزف خاطر نشان میکنند که مشکل است از بسیاری از نامها هم‌بعلمت سیستم پیچیده ترجمه اسامی زبان تبتی و هم‌بعلمت اصطلاحات و تعبیر شاعرانه‌ای که برای تشریح نواحی معین بکار رفته چیزی فهمید.

مثلاً اصطلاحات «دره سیاه رنج» و کشور حیوانات وحشی بلعنده» از لحاظ جغرافیائی مفهوم صریح و یاصحیحی ندارند. اما با حفظ چنین سوابقی درمخیله ما به ذکر مشخصات آزمایشی ذیل توسط دو دانشمند روسی می‌پردازیم:

۵ = کرمانیا ۱۳ - ۷ = پرسپولیس ۱۴ - ۲۷ = کشور ماد ۱۵ -

9 - L. N. Gomilev

13 - Kermania

10 - B. A. Kuznetsov

14 - Persepolis

11 - Professoee . B. Mazar

15 - Media

12 - Maariv





۳۰ = بابل ۱۶ - ۳۱ = خوزستان ۱۷ - ۵۸ = اورشلیم ۱۸ - شهرنسندری ۱۹
یعنی اسکندریه ۲۰ بنظر میرسد تاریخ ترسیم اصل ایرانی نقشه ما - قبل از
سفر طویل آن به تبت دو یا سه قرن قبل از میلاد مسیح باشد. از آنجا که
گوشه جنوب غربی نقشه بدون شك نام اسکندریه را درج میکند لذا نمیتواند
بیشتر از ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح باشد و از طرف دیگر در نقشه ما در
مورد نام «روم ملکه» که در نقشه دوم تبتی بعد از نقشه مورد بحث اشاره ای
نشده است.

اما در این مورد که این سند ایرانی بچه طریقی توانست بوسیله آن تاشرق
برود مجبوریم راههای تجاری که به آسیای مرکزی و سیبری منتهی میشد
و حضور صنعتگران ایرانی در نیم قاره هندوستان از اواخر قرن چهارم قبل از
میلاد مسیح بعد و انتشار عقاید مذهبی ایران به شرق را بخاطر بیاوریم.
در خصوص این پدیده آخری دانسته شده که عقاید میترائی در تبت قبل از
بودا نفوذ یافته و این ممکن است فقط انعکاسی از توجه وسیع به فرهنگ و
آموزش ایران در جهان هیمالیا بوده باشد. در چنین محیط فکری ممکن
است کسی تصور کند که نقشه اصلی نگهداری و یا بکرات بوسیله افراد مختلف
تا زمان شناسائی مذهب بودا و خط تبتی که بر اساس سانسکریت است تقلید
شده است در آن زمان یعنی در اواخر قرن هفتم میلادی فعالیت های چشمگیر
ادبی مشاهده میشود. تمام کتابهای مقدس مذهب بودا در مدت کوتاهی به زبان
تبتی ترجمه شد و ممکن است اولین ترجمه و یا تفسیر تبتی از نقشه ما، مربوط
به همین زمان باشد.

در این مطلب کوتاه محلی برای تجسس و بررسی روابط نقشه کشی در
کشور هخامنشی با نقشه کشی آسوری و یونان قدیم باقی نمانده است، همچنان
از عناصر جهان شناسی که در بسیاری از نقشه های قبلی وجود دارند بخصوص

- 16 - Babylon
- 17 - Khuzistan
- 18 - Jerusalem

- 19 - Town Nesendri
- 20 - Alexandria





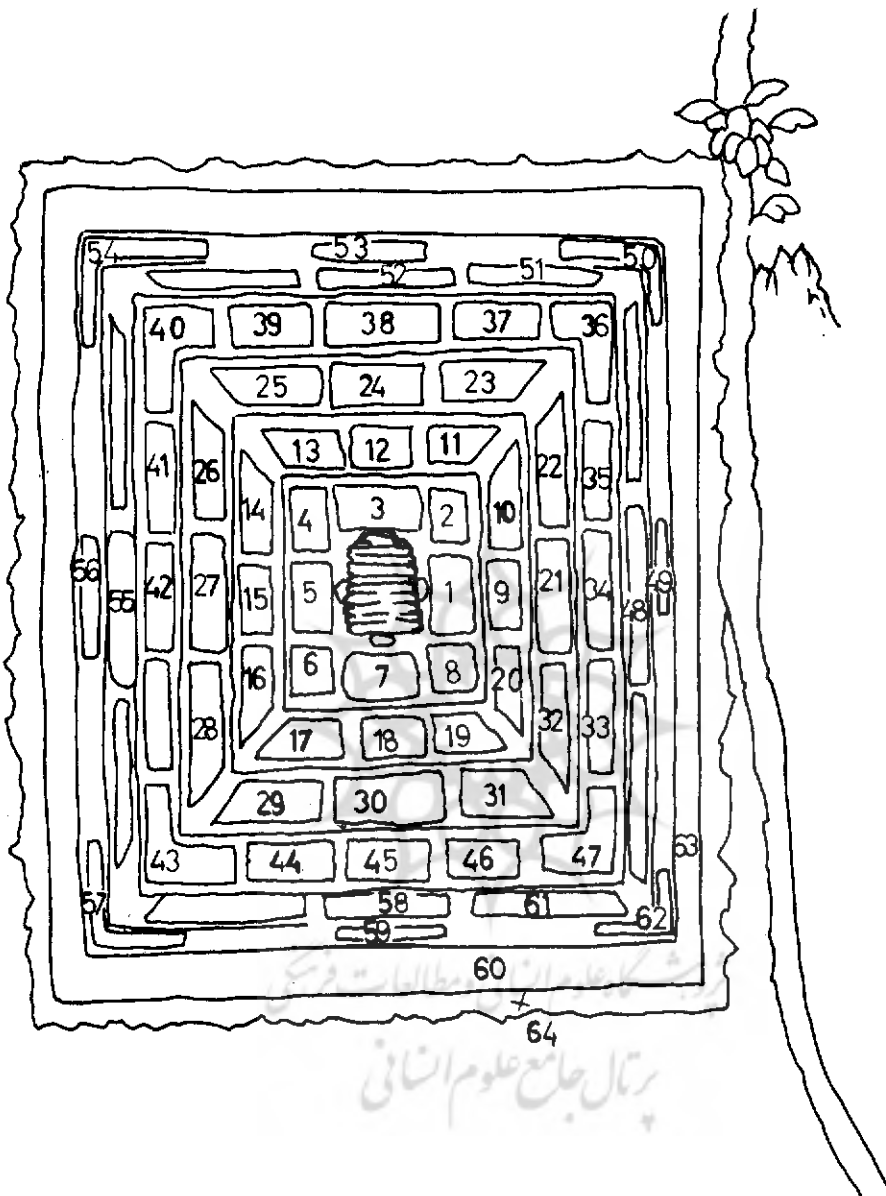
این تصور و یا عقیده که جهان شناخته شده را دریا احاطه نموده بحث نموده‌ایم. اما باید ترادیسو نه‌های جغرافیائی ایران در دوران اولیه اسلام و نفوذ زیاد عقیده و نظریات ایرانیان بر جغرافی دانان اولیه عرب را بخاطر داشت .

نظریه هفت کشور (هفت اقلیم و یا هفت منطقه) بیش از عقاید دیگر مهم بود که بنا به این نظریه جهان به هفت دایره مساوی تقسیم شده و هر کدام از این دوائر نماینده یک منطقه بود در این سیستم بطریقی که شاید حاکی از نقشه مورد بحث ما است ایران شهر هنوز در مرکز قرار داشت و شش دایره و یا منطقه مابقی در اطراف آن بوده است .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





شکل (۲) - طرحی از نقشه نمبئی که در آن اعداد جانشین عنوانهای اصلی جغرافیائی شده است (به پیروی از ل - ن - گومیلف و ب - الف - کوزنتزف)

پرتال جامع علوم انسانی



پیام مجله

مجموعه مقالات و پژوهش‌ها در زمینه تاریخ و تمدن ایران و منطقه

مستند و معتبر است و با هدف ارتقاء سطح علمی و پژوهشی در این زمینه گردآوری شده است

مقالات و مطالب در زمینه تاریخ و تمدن ایران و منطقه

در زمینه تاریخ و تمدن ایران و منطقه



تعمیر و نگهداری در سال ۱۳۸۵

مقاله در زمینه تاریخ و تمدن ایران و منطقه

مجموعه مقالات و پژوهش‌ها در زمینه تاریخ و تمدن ایران و منطقه

در ترتیب تقدیم و با احترامات و رعایت وضع مکتوب و اسناد تاریخی گردآوری شده است





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

